

تأثیر افزایش دستمزد بر هزینه تولید بخش صنعت در سال ۱۳۹۵

دکتر احمد تشکینی، مدیر یکپارچه سازی سیاست های موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

اقتصادنیوز

تعیین حداقل دستمزد در بازار کار یکی از موضوعات حساس و چالش برانگیز در حوزه اقتصاد کلان است که بر متغیرهای اسمی (قیمت، دستمزدهای اسمی و ...) و متغیرهای حقیقی (تولید و اشتغال و ...) تأثیرگذار می باشد. شورای عالی کار (طبق ماده ۴۱ قانون کار) همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به دو معیار تعیین کند: ۱- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود. ۲- حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین کند. در حال حاضر تعیین حداقل دستمزد به صورت سالانه و توسط شورایی سه جانبه متشکل از نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت صورت می پذیرد.

گفتنی است براساس نظریه های اقتصادی تنها زمانی که رشد دستمزدها با رشد بهره وری برابر باشد، هزینه های تولید از محل افزایش دستمزدها تغییر نخواهد یافت. آمارها نشان می دهد متوسط رشد دستمزد طی دهه اخیر حدود ۱۵ درصد بوده است که بسیار بالاتر از متوسط رشد بهره وری نیروی کار می باشد.

۱. براساس اطلاعات مرکز آمار ایران، سهم دستمزد از کل هزینه های عملیاتی «کارگاههای صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر» حدود ۸ درصد می باشد.

۲. افزایش دستمزد در زنجیره تولید کالا چندین بار در افزایش قیمت کالای نهایی نقش بازی می کند (اثر شلاقی).

۳. افزایش حداقل دستمزد سالانه منجر به تسری افزایش دستمزد در تمامی بخش های اقتصادی می شود.

۴. براساس جلسه روز چهارشنبه ۱۹ اسفند شورای عالی کار؛ رشد دستمزدها معادل ۱۴ درصد برای سال ۹۵ تصویب شد که در این صورت هزینه های تولید صنعتی از محل افزایش دستمزدها حدود ۱،۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. گفتنی است ۱،۱۲ درصد نشانگر اثر مستقیم افزایش دستمزد بر

هزینه تولیدات صنعتی است (لذا اثر شلاقی را دربر نمی گیرد) ضمن آنکه افزایش بهره وری در کاهش این اثر نقش مستقیمی ایفا می کند.

۵. افزایش هزینه ناشی از افزایش دستمزد در صنایع کاربر (مانند پوشاک، چوب و محصولات چوبی) بیشتر می باشد و در صنایع سرمایه بر کمتر است.

۶. نکته کلیدی آن است که عامل خنثی کننده اثر افزایشی دستمزدها بر هزینه های تولید بخش صنعت را باید در افزایش بهره وری نیروی کار جستجو کرد. این بدان مفهوم است که سیاست های افزایش بهره وری در بنگاه های صنعتی نقش موثری در جلوگیری از کاهش قدرت رقابت پذیری مستمر این بخش ایفا می کند. شایان ذکر است سیاست های کاهش نرخ سود بانکی متناسب با نرخ تورم، بهبود فضای کسب و کار و کاهش هزینه های مالی ناشی رفع تحریم ها و ... می تواند نقش مستقیمی در کاهش اثر افزایش دستمزد بر هزینه های تولید صنعتی ایفا کند.